

به رانندگان شرکت واحد

نامه دوم

گزارش هیأت مدیره سندیکای شما حاکی است که دولت سرمایه داری ایران به هیچیک از وعده های 12 گانه مصرح در مذاکرات میان شما و ایادی دولتی سرمایه وفا نکرده است. این گزارش تصریح نموده است که بازگشت به کار کارگران اخراجی به طور کامل معوق مانده است. حق السعی دوران تعلیق کارگران پرداخت نشده است. علیه تلاش شما برای انحلال ارگانهای پلیسی سرمایه از هر سوی توطئه شده و توطئه می شود. مخالفت شما با کسر 150 ریال از حقوق کارگران به هیچ نتیجه ای منتهی نگردیده است، تقاضای شما برای داشتن کمک راننده مطلقاً بلاجواب باقی مانده است. خواست کارگران برای شرکت در کلاسهای آموزشی مربوط به « قانون کار »!! و حق تدریس این « قانون »!! توسط افراد منتخب سندیکا با هیچ پاسخ موافقی روبرو نشده است، وعده عمال دولتی سرمایه برای برگزاری جلسه مناظره میان سندیکا و کارفرمایان به فراموشی کامل سپرده شده است، تعرفه خدمت منتخبان سندیکا برای ممانعت از انجام تظاهرات مشکوک که بخشی از توافق نمایندگان دولت سرمایه با سندیکا بوده است قطع گردیده است، نسبت به سوء استفاده ها و شرارت های مالی عمال شوراهای کارفرمایی که محتوای درخواست کارگران بوده است هیچ اقدامی صورت نگرفته است. تصمیمات عمیقاً ضد کارگری و ضد انسانی کارفرمایان علیه کارگران با همان شدت تداوم یافته است. -----

تمامی نکاتی که در گزارش هیأت مدیره شما انعکاس یافته است با صدای بسیار بلند فریاد می زند که میان شما یا در واقع میان طبقه ما یا جنبش طبقه ما با نظام سرمایه داری، هیچ امکانی برای حل و فصل قانونی و قانونسالارانه و قانونمدارانه مشکلات وجود ندارد. همه چیز گواه آن است که اعمال قدرت طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری را تنها و تنها، با اعمال قدرت متحد و سراسری ضد سرمایه داری طبقه کارگر می توان پاسخ گفت. 12 بند قولنامه عمال سرمایه بندهای رایج قراردادیت و میثاق و قانون پردازی میان طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر است. سندیکالیسم و جوش و خروش سندیکائی نیز داریست همین قراردادبازیهها، همین مقاوله نویسی ها، همین سازشها و سازشکاریهاست. گزارش شما سند بسیار زنده دیگری است که سندیکالیسم یا سندیکابازی زیر نام « تفاوت سندیکا و سندیکالیسم » وسیله ای برای به انحراف کشیدن جنبش ما، برای گسستن این جنبش از ریل پیکار متحد طبقاتی علیه سرمایه داری و برای ایجاد شکاف در صفوف طبقه ما، به نفع نظام بردگی مزدی است.

کلیه نکات مندرج در گزارش هیأت مدیره سندیکا، مو به مو، بیانگر تعارض دهشتبار میان ملزومات ابراز وجود نیرومند جنبش شما در یکسوی و دل بستن شما به راه حل سندیکالیستی و قانونگرایانه از سوی دیگر است. شما هر کجا که حریم قانونیت سرمایه را لگد کوبیده اید نمایندگان دولتی سرمایه را مجبور به قبول مذاکره با خویش ساخته اید و همزمان به محض اینکه خواسته اید به قانونیت سرمایه تمکین کنید تمامی قدرت و ظرفیت اعمال قدرت خود را از دست داده اید. آیا این خود یکی از بارزترین دلایل عینی مطرود بودن راه حلهای قانونی و سندیکالیستی نیست.

سندیکالیست ها مبارزه قانونی، ساختن تشکل قانونی، اعتصاب قانونی و گرفتن حق تشکل و اعتصاب قانونی را تنها نسخه علاج مشکلات شما می دانند. راه حلها و نسخه پیچی هایی که عقیم بودن و مخرب بودن آنها همه جا با تاریخ جنبش ما آمیخته است. همصدا و همگن با سندیکالیست ها جماعت متفرق اما وسیع فرقه گرایان نیز که تاریخ حیات آنها تاریخ تلاش نیروهای خارج از طبقه ما برای تبدیل نیروی

جنبش ما به وسیله اعمال قدرت بر ماست، زیر نام تمایز میان سندیکا و سندیکالیسم، ضرورت منجمد ماندن مبارزات ما در مبارزات قانونی و سندیکالیستی را بر سر هر کوی و برزن جار می زنند. اینان به شیوه بسیار مسخره ای استدلال می کنند که چون هر خواست صنفی و قانونی کارگران توسط دولت بورژوازی سرکوب می گردد، چون سرکوب مطالبات اقتصادی کارگران توسط دولت ها سبب سیاسی شدن مبارزه اقتصادی آنها می گردد، پس اصرار توده کارگر بر مبارزه قانونی و حق تلاش سندیکائی، بسیار عالی است!!!

اینان عمرهاست که این حرفها را به ما تحویل می دهند و حاصل تأثیرپذیری طبقه کارگر از حرفهای آنان همین حالت سراسر استیصال و فروماندگی و زبونی و ذلتی است که دامنگیر جنبش ماست. طبقه کارگر ایران در هیچ لحظه ای از تاریخ حیات خود، از طریق توسل به قانون و قانونیت سرمایه هیچ مطالبه ای را بر بورژوازی و دولت بورژواها، تحمیل نکرده است. مجرد سیاسی شدن و صرف رویکرد ضد رژیم جنبش کارگری هم به خودی خود، هیچگاه حلال هیچ مشکلی برای طبقه کارگر نبوده است. آنچه که کلید حل معضلات طبقه ماست اعمال قدرت متحد سراسری کل طبقه ما علیه استثمار و ستم و توحش سرمایه داری و علیه اساس موجودیت سرمایه داری است. ما تنها از این طریق و با این سلاح می توانیم با کارفرمایان و سرمایه داران حرف بزنیم. ستنیز ما با دولت ها نیز تنها در اینجا و در وسعت این کارزار طبقاتی است که تجسم واقعی جنگ ما علیه نظام سرمایه داری و در راستای نفی تسلط این نظام بر زندگی ماست. رژیم ستیری فاقد بار نیرومند ضد سرمایه داری و فاقد پشتوانه مقتدر جنبش سازمانیافته ضد کار مزدی توده های وسیع طبقه کارگر فقط به درد فرقه ها و سکتاهای غیر کارگری می خورد تا با سوار شدن بر موج مبارزات ضد رژیم فراطبقاتی راهی به سوی خزیدن در قدرت سیاسی دست و پا نمایند. هیچ بی دلیل نیست که فرقه گرایان و سندیکالیستها در سوق دادن ما به مبارزات سندیکالیستی عین حرفهای همدیگر را تکرار می کنند و بسان یک روح در دو قالب عمل می نمایند

شما خود به درستی جمعبندی کرده اید که:

« کل سیستم امنیتی - انتظامی، مدیران و شورای تأمین استان، شیوه مذاکره و توافق بین هیات مدیره سندیکا و مدیریت شرکت واحد را به عنوان ترفندی برای عبور از تهدید به اعتصاب دوم مهر که از سوی برخی از کارگران مطرح شده بود و ایجاد تفرقه در سندیکا و در بین کارگران به کار بردند، تا زمینه حضور و روحیه مبارزه جویانه کارگران را برای دستیابی به حق و حقوق و مطالبات صنفی و قانونی خویش را تضعیف نموده و با انتشار تهمت نامه ها و دروغ پردازی و با ایجاد شایعه و دروغ می خواستند بین کارگران و سندیکا تفرقه ایجاد کرده و به وحدت و همدلی زحمت کشان صدمه بزنند که این شیوه ها در طول تاریخ از ابزارهای تکراری کارفرمایان و زورگویان نسبت به حق طلبی های کارگری بوده است»

جمعبست شما از تجارب تلاشهای قانونی و گفت و شنودهای قانون گرایانه، خویش سندی بسیار قاطع بر بی ثمری مطلق مبارزات قانونسالارانه و سندیکالیستی است. ترجمه زمینی و واقعی این جمعبست آن است که شما از طریق مذاکره، قرارداد و قرارداد نویسی یا رجوع به حقوق و اصول و احکام سرمایه قادر به احقاق هیچ حقی نمی باشید.

بخش دیگر جمعبندی شما نیز به همین درجه مهم و پرارج است. شما اعلام کرده اید که:

« لذا با توجه به شرایط موجود و انجام نشدن قولهایی که مدیریت به اعضای هیات مدیره سندیکا داده بود، پیشنهاد می کنیم تا عملی شدن قولهایی که مدیریت شرکت و مسنولان امنیتی و انتظامی استان تهران در دفتر آقای طلایی فرمانده انتظامی تهران بزرگ و دیگر اماکن داده بودند، از امروز 84/9/9 به بعد از قبول هر مذاکره ای دور از چشم کارگران خودداری نمایم»

این بخش به میزانی که واقعی باشد و به میزانی که پایبندی فرموله کنندگان آن را همراه داشته باشد، بدون تعبیر و تفسیر به منزله فاصله گیری دوستان عضو هیأت مدیره سندیکا از سندیکالیسم و جنب و

جوش سندیکاسالارانه است. این عبارات به میزان سنجیدگی و دقت و متناسب با درجه باور دوستان تدوین کننده اش، گزارش دور شدن از سندیکالیسم و ره زدن به جنبش شورائی است.

و بالاخره شما در بخش پایانی گزارش تصریح کرده اید که:

« ضمناً پیرو اطلاعیه های قبلی به مدیران و مسئولان اعلام می کنیم که عدم توجه به خواسته های اعلام شده کارگران روش هایی همچون اعتصاب را در آینده نزدیک در برخواهد داشت و عواقب هرگونه اقدامی علیه اعضاء و هیئت مدیره سندیکا به عهده مسئولین می باشد»

اگر اجزاء مختلف گزارش و جمع بندی گزارش شما به علاوه تجارب حاصل از مبارزاتتان را، در یک رابطه ارگانیک با هم مورد تعمق قرار دهیم، ملاحظه می کنیم که:

- توسل به راه حل های قانونی و دولت سرمایه، همه جا باعث خلع سلاح شما در مبارزه با کارفرمایان و برای تحقق خواسته هایتان بوده است

- هر کجا که به اعماق قدرت خویش توسل جسته اید بورژوازی را مجبور نموده اید که به مطالبات شما توجه کند.

- دخالتگری سراسری و متحد و نافذ هر چه بیشتر شمار هر چه کثیرتر آحاد شما در تقابل با کارفرمایان و دولت بورژوازی شانس خلع سلاح شدن شما در مقابل دشمن را به طور چشمگیر کاهش داده است.

- هر چه حمایت بخشهای مختلف طبقه کارگر از مبارزات شما بیشتر بوده باشد، به همان اندازه ظرفیت اعمال قدرت شما علیه سرمایه بیشتر و احتمال دستیابی شما به خواسته هایتان افزونتر بوده است.

اینها ساده ترین نکاتی است که به عنوان واقعیات و تجارب حاصل از مبارزات جاری شما می توان بر روی آنها انگشت نهاد. همه این نکات با شفافیت و وضوح تمام نشان می دهند که چاره درد ما و چاره درد کل طبقه ما متشکل شدن علیه سرمایه داری، ایجاد یک تشکیلات سراسری شورائی ضد کار مزدی و به میدان کشیدن کل قوای طبقاتی خویش در مصاف علیه نظام سرمایه داری است. ما نیاز حیاتی و مبرم به ایجاد یک تشکیلات سراسری شورائی ضد سرمایه داری داریم. تشکیلاتی که از درون آن با بیشترین قدرت ممکن با بورژوازی رو به رو شویم. به محض ترمد سرمایه دارن و دولت آنها از قبول خواسته هایمان چرخ تولید و کار را در وسیعترین سطح ممکن از حرکت فرو اندازیم. تشکیلاتی که قدرت مبارزه کارگر نفت را با ظرفیت اعتراض کارگران راننده، هر دوی اینها را با نیروی ستیز کارگران آب و برق و معدن و کشاورزی و ساختمان و آموزش و بهداشت و همه جاهای دیگر به هم پیوند بزند. تشکیلاتی سراسری که مبارزه ما برای تحقق هر مطالبه را به میدانی برای تقویت هر چه بیشتر نیروی جنبش ما در سطح سراسری تبدیل کند و ما را در مبارزه آخرین برای نابودی بردگی مزدی گامی اساسی به جلو راند.

ما نیاز به چنین تشکیلاتی داریم و این تشکیلات همان است که دوستان همزنجیر و همرنج و همدرد ما در کمیته هماهنگی برای برپائی آن پیکار می کنند. شما عملاً و به دور از تمامی فرمولبندیهای رسمی، سندیکالیسم را به دور انداخته و به یک جنبش ضد سرمایه داری پا نهاده اید. شما نمی توانید سندیکالیست باشید یا بمانید، جنبش ما از طریق صنف بازی قادر به پیشبرد هیچ اعتراضی نیست. شما خواستار این نمی باشید که جدال سیاسی توده های ما با دولت بورژوازی نهایتاً سکوی پرش این حزب و آن حزب به قدرت سیاسی و لو به دروغ زیر نام و نشان ما باشد. ما می خواهیم که از سنگر پر خروش ضد نظام سرمایه داری با دولت سرمایه دست و پنجه نرم کنیم. ما خواستار آنیم که در ادامه پیکار خود به حیات هر نوع دولت بالای سر انسانها خاتمه بخشیم. همه اینها در گرو متشکل شدن ما علیه سرمایه داری در درون یک تشکیلات سراسری و شورائی ضد کار مزدی و برای لغو کار مزدی است. فشرده شدن دستان شما در دستان هزاران کارگر پشتیبان کمیته هماهنگی می تواند مسیر برپائی این تشکیلات را در برابر دیدگان منظر میلیونها کارگر ایرانی بسیار تابناکتر و شفاف تر سازد.

از دید ما هم‌رزمی و همدلی کل کارگران راننده، کلیه کارگران امضاء کننده تومار حمایت از کمیته هماهنگی و کل فعالین جنبش کارگری که به طور واقعی به مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر باور دارند در همین شرائط حی و حاضر می‌تواند به عرصه ای جدی برای سازمانیابی هر چه گسترده تر کارگران در چنین تشکلی تبدیل شود. همه با هم، در زیر بیرق پر افتخار سرمایه ستیزی و ضدیت با بردگی مزدی برای جلب حمایت هر چه پرشکوه تر همه بخشهای طبقه کارگر از مبارزات کارگران راننده تلاش کنیم و همه با هم این عرصه توفانی کارزار طبقاتی را به بستر ایجاد تشکل سراسری ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی توسعه دهیم.

2006 .1 .16

فعالین جنبش لغو کار مزدی

عباس افشم - ناصر پایدار - ملک پیرخضری - فریده ثابتی - فاتح حنائی
یوسف دانش - فرهاد رحیمی - امید زارعیان - مهری سلامی - منصور صدقی - مریم فروغی
جمشید کارگر - مینا کریم - حیدر کریم - مهین کوشا - نانسلی لاپلانت -